

## بررسی احتمال حکم ولایی بودن زکات از منظر آیت‌الله منتظری

محمدرضا یوسفی شیخ‌رباط \*

DOI: 10.22096/rc.2026.2078516.1285

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۲]

### چکیده

زکات به‌منزله یکی از مهم‌ترین واجبات دینی در شریعت اسلامی، همواره مرکز توجه فقها بوده و تلقی غالب آنان بر شرعی بودن حکم آن است. با این حال، آیت‌الله منتظری برای نخستین بار در میان فقهای شیعه، احتمال ولایی بودن حکم زکات را مطرح کرده است؛ احتمالی که در صورت پذیرش، پیامدهای نظری و عملی قابل توجهی در حوزه فقه حکومتی و مدیریت منابع مالی مسلمانان خواهد داشت. این نوشتار با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا به بررسی دقیق این دیدگاه پرداخته و ضمن تبیین دلایل موافق، چالش‌های اساسی پیش روی آن را نیز مورد توجه قرار داده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که براساس فروض و مبانی آیت‌الله منتظری، می‌توان ادعای ایشان را تا حدی تأیید کرد؛ البته این تأیید، مشروط به حل دو چالش مهم است: نخست، روایات متعدد که بر انحصار زکات در نه مورد دلالت دارند و دوم، ماهیت عبادی زکات که پذیرش ولایی بودن آن را با دشواری‌هایی همراه می‌کند.

**واژگان کلیدی:** زکات؛ حکم ولایی؛ آیت‌الله منتظری؛ متعلقات زکات.

## ۱. مقدمه

زکات به منزله واجب مسلم دینی در همه ادیان ابراهیمی وارد شده است. چنانکه خداوند از زبان حضرت عیسی بیان می‌کند که «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»<sup>۱</sup>. «زکات» با مشتقاتش، ۵۹ بار (۳۹ بار در آیات مکی و بیست بار در آیات مدنی) در قرآن آمده است. ۲۸ بار در کنار «صلاه» آمده است. اولین بار در سوره مزمل که سومین سوره بر حسب نزول است، کلمه زکات به کار رفته است.

به نظر می‌رسد به دلیل اینکه عمده مسلمانان در مکه از فقرا، بردگان و طبقات محروم بودند، خداوند در قرآن در آن زمان برای برآوردن نیاز آنان به مواردی مثل انفاق، قرض الحسنه، اطعام یتیم و فقیر، حق معلوم، حق الحصاد و ماعون نیز امر فرمود؛<sup>۲</sup> اما با تشکیل حکومت پیامبر و تغییر نیازهای جامعه، زکات به مثابه امر حکومتی مطرح شد. از این رو خداوند فرمان اخذ زکات را به پیامبر داد و فرمود: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً»<sup>۳</sup>. از این رو برخی آیه ۱۰۳ سوره توبه را ناسخ زکات واجب پیشین دانسته‌اند؛<sup>۴</sup> همانطور که می‌توان از تعبیر «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ»، تغییر رویکرد از واجب مالی فردی به واجب حکومتی را نیز برداشت کرد.

به هر روی به اتفاق مفسرین و فقهای اسلام، خداوند زکات مصطلح فقهی را در آیات ۱۰۳ و شصت سوره توبه در شکلی جدید واجب و مصارف را تعیین کرد و به پیامبر ابلاغ کرد. بر حسب روایات بسیار، زکات یکی از ده فروع دین در کنار صلاه، صوم، حج، خمس و... و یکی از پنج رکن است. چنانکه زُرَّازَةُ از امام باقر نقل می‌کند که: «أَنَّهُ قَالَ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَالصَّوْمِ، وَالْوَلَايَةِ»<sup>۵</sup>. روایات دیگری از منابع شیعی و سنی بر یکی از پنج رکن بودن زکات وارد شده است؛<sup>۶</sup> از این رو برخی فقها ادعای

۱. «و هر جا که باشم بسیار بابرکت و سودمندم قرار داده و خداوند مرا تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است». (مریم، آیه ۳۱)  
۲. سید ضیاء‌الدین کیاء الحسینی، «تحول زکات در قرآن از واجبی فردی به واجبی حکومتی براساس ترتیب نزول سور قرآن کریم»، حکومت اسلامی، شماره ۱۰۹ (۱۴۰۲): ۱۴۷.  
۳. «از اموالشان زکاتی دریافت کن». (توبه، آیه ۱۰۳)  
۴. قاسم بن سلام ابوعبید، الاموال (بیروت: دارالحدائث، ۱۹۸۸)، ۳۵۷؛ و ابوالقاسم اجتهادی، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین (تهران: سروش، ۱۳۶۳)، ۳۱۵.  
۵. اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، جلد ۲ (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵)، ۱۸.  
۶. محمد بن علی صدوق، الخصال، جلد اول (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۲) ۲۷۸؛ محمد طوسی، الامالی، (قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ق)، ۱۲۴؛ محمد بخاری، صحیح البخاری، جلد ۱ (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق) ص ۱۱ و جلد ۶، ۲۶؛ نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، جلد ۱ (بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا)، ۴۵.

بررسی احتمال حکم ولایی بودن زکات از منظر آیت‌الله منتظری / یوسفی شیخ‌رباط ۵۳

ضروری بودن وجوب زکات کرده‌اند، منکر آن را با علم به ضروری بودن آن کافر می‌دانند.<sup>۷</sup> عموم فقها زکات را واجب شرعی دانسته‌اند؛ هرچند در دامنه آن، اختلاف نظر وجود دارد؛ اما تا آنجا که نویسنده این سطور دنبال کرده است، هیچ فقیهی در گذشته در وجوب شرعی زکات تردید نداشته است. توضیح اینکه بر حسب آیات قرآنی، پیامبر سه منصب داشته است. وظیفه نخست، تبیین دین و احکام آن است. خداوند می‌فرماید: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»<sup>۸</sup>؛ دومین وظیفه‌ای که خداوند برای پیامبر بیان کرده است، وضع احکام حکومتی برای اداره جامعه است. خداوند خطاب به جامعه مؤمنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>۹</sup> و سومین وظیفه نیز وظیفه قضاوت است؛ از این رو خداوند می‌فرماید: «فَلَا وَرَيْكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوا بِمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ»<sup>۱۰</sup>. مستند به آیات و روایات متعدد، فقها این سه منصب را برای پیامبر قائل هستند. شهید اول در القواعد و الفوائد ضمن قاعده ۶۲ همین سه منصب را آورده است.<sup>۱۱</sup> شیخ انصاری در کتاب البیع نیز همین سه منصب را برای رسول خدا و امامان ثابت می‌داند و می‌فرماید: «مقتضی الأصل عدم ثبوت الولاية لأحد بشيء من الوجوه المذكورة، خرجنا عن هذا الأصل في خصوص النبي و الأئمة بالأدلة الأربعة»<sup>۱۲</sup>.

از آنجا که احکام قضایی و حکومتی، احکام ولایی هستند؛ بنابراین در مجموع حکم الهی دو نوع حکم شرعی و ولایی خواهد بود. آیت‌الله بروجردی در نهایت التقریر نیز احکام را به دو قسم یادشده تقسیم کرده است.<sup>۱۳</sup> به اعتقاد علامه طباطبایی، برخی احکام و قوانین که به واسطه وحی نازل شده‌اند، ثابت و تغییرناپذیر است؛ اما دسته‌ای دیگر که بر حسب مصلحت زمان بیان شده‌اند و بر آن اساس مقرراتی برای اجرا وضع شده‌اند، حکم ولایی هستند. این

۷. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، جلد پانزدهم (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷)، ۱۳ و ۶۵؛ ابوالقاسم خویی، منهاج الصحیح، جلد اول (قم: مطبعه مهر، ۱۴۱۰ ق)، مجلد ۱ / ۲۹۵؛ و سید محمدکاظم یزدی، العروه الوثقی، جلد ۴ (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۸ ق)، ۶.

۸. «آنچه را پیامبر به شما عطا کرد، بپذیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید». (حشر، آیه ۷). البته به قرینه صدر آیه ممکن است ادعا شود که این آیه دال بر احکام تبلیغی نیست.

۹. «ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان اطاعت کنید». (نساء، آیه ۵۹)

۱۰. «به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن حقیقی نخواهند بود، مگر آنکه تو را در آنچه میان خود نزاع و اختلاف دارند به داوری بپذیرند». (نساء، آیه ۶۵)

۱۱. محمدبن مکی العاملی، القواعد و الفوائد، جلد اول (قم: نشر مکتب مفید، بی‌تا)، ۲۱۳ - ۲۱۶.

۱۲. «مقتضای اصل، عدم ثبوت ولایت برای فردی بر دیگری تحت هر عنوانی است؛ اما خصوص پیامبر و ائمه به ادله اربعه از این امر کلی مستثنی هستند». شیخ مرتضی انصاری، کتاب مکاسب، جلد سوم (قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۴ ق)، ۵۴۶.

۱۳. حسین بروجردی طباطبایی، نهایت التقریر (قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۴۲۰ ق)، ۴۲۷-۴۲۸.

مقررات لازم‌الاجرا بوده‌اند و مانند شریعت معتبرند. با این تفاوت که قوانین آسمانی ثابت و تغییرناپذیر و مقررات وضعی قابل تغییر و تابع مصلحت هستند و چون پیوسته زندگی جامعه انسانی در تحول و رو به تکامل است، طبعاً این مقررات تدریجاً تبدیل پیدا خواهند کرد و جای خود را به بهتر از خود خواهند داد.<sup>۱۴</sup> بنابراین دو نوع حکم شرعی و ولایی مورد پذیرش قرار گرفت، اما فقها به دلیل رسالت اصلی پیامبر و امامان برای تبیین دین، اصل در بیان احکام را بر شرعی بودن آن گذاشتند و عدول از احکام شرعی به احکام ولایی را به دلیل خاص و شواهد دال بر آن موجه می‌دانند. آنان معتقد به شرعی بودن وجوب زکات هستند و آن را حکمی ثابت برای همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌دانند. در دوران معاصر، آیت‌الله منتظری، احتمال حکم ولایی بودن زکات را داده است. به نظر می‌رسد وی اولین فقیهی باشد که این احتمال را داده و شواهدی برای آن ذکر کرده است.

با توجه به سیر کوتاه یادشده و جدید بودن این نظر و اثر گسترده آن در نظام فقهی و اجرایی، بررسی فقهی دیدگاه ولایی بودن حکم زکات اهمیت زیادی دارد؛ بنابراین این پرسش مطرح می‌شود آیا شواهدی را که آیت‌الله منتظری ذکر کرده است، می‌توان تأیید کرد؟ آیا می‌توان شواهدی دیگر بر این نظریه اقامه کرد؟ در صورت پذیرش این نظریه، پیامدهای آن چیست؟ این مقاله در مقام پاسخگویی به پرسش‌های یادشده است.

این نوشتار به منظور پاسخگویی به سؤال یادشده در چهار بخش تدوین شده است. بخش اول به تبیین نظریه آیت‌الله منتظری می‌پردازد. بخش دوم به تحلیل و بررسی استدلال‌های ایشان، بخش سوم به بررسی پیامدها و چالش‌های این نظریه پرداخته و بخش چهارم به جمع‌بندی مباحث می‌پردازد.

## ۲. تبیین دیدگاه آیت‌الله منتظری

در میان مکتوبات آیت‌الله منتظری، اولین بار احتمال ولایی بودن زکات در کتاب الخمس بیان شد و سپس در موارد متعددی از مجلدات کتاب الزکاه<sup>۱۵</sup> و دراسات فی فقه الولاية الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه<sup>۱۶</sup> به این موضوع پرداخته‌اند.

۱۴. جمعی از نویسندگان، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت (تهران: نشر انتشار، ۱۳۴۱)؛ محمدحسین طباطبایی و دیگران، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت (تهران: نشر انتشار، ۱۳۴۱)، ۶۲-۹۰.

۱۵. حسینعلی منتظری، کتاب الزکاه، مجلد اول (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق)، ۵۷، ۶۲-۶۳، ۱۴۹-۱۵۰ و ۱۶۸؛ حسینعلی منتظری، کتاب الزکاه، مجلد سوم (قم: نشر تفکر، ۱۴۱۳ ق)، ۱۷۲-۱۷۴؛ و منتظری، کتاب الزکاه، ۴: ۱۰۸ و ۴۳۲.

۱۶. حسینعلی منتظری، دراسات فی فقه الولاية الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، جلد اول (قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، ۱۴۰۸ ق)، ۹۹، ۱۰۴، ۱۰۶ و ۱۰۸؛ حسینعلی منتظری، مجلد سوم (قم: دارالفکر، ۱۴۱۱ ق)، ۳۲ و ۳۳.

بررسی احتمال حکم ولایی بودن زکات از منظر آیت‌الله منتظری / یوسفی شیخ‌رباط ۵۵

به دلیل مضمون مشترک آنان بر دو متن کتاب الخمس و اولین متن از کتاب الزکاه تمرکز کردیم و فقط نکات متفاوت سایر متون، مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

## ۲-۱. کتاب خمس<sup>۱۷</sup>

اولین موردی که ایشان در این موضوع ورود کرده‌اند در کتاب الخمس<sup>۱۸</sup> ذیل مباحث ارباح مکاسب بوده است. لازم به ذکر است که این بحث در میان فقها وجود دارد که با فرض شمول آیه غنیمت بر ارباح مکاسب با وجود این، چرا وجوب خمس ارباح در زمان امام صادق<sup>۱۹</sup> مطرح شد و در زمان امام کاظم به لحاظ اجرایی برنامه‌ریزی شد. در پاسخ به این پرسش، هر فقیهی راه حلی بیان کرده است، اما آیت‌الله منتظری احتمال حکم ولایی بودن خمس ارباح را مانند ولایی بودن زکات مطرح می‌کند. ایشان بیان می‌کند که: «یا اینکه در پاسخ گفته شود که اصل در مالیات‌های اسلامی و معافیت‌ها از احکام الهی است، ولی تعیین مصادیق آن بر عهده حکام عدل است تا بر حسب نیازها و اقتضائات جامعه، آنها را تعیین کنند. نظیر امری که در باب زکات ادعا می‌شود که زیرا خداوند در قرآن به پیامبر دستور اخذ زکات را داده، ولی موضوع آن را تعیین نکرده و رسول خدا به‌عنوان حاکم اسلامی در زمانه خود، زکات را بر نه مورد وضع کرد. علت آن بود که این موارد عمده ثروت عرب در آن عصر بود. پیامبر سایر موارد را از پرداخت زکات معاف کرد. این نکته از اخبار مستفیضه به دست می‌آید».<sup>۲۰</sup>

چند نکته در این متن وجود دارد. نخست اینکه، خمس و زکات، مالیات اسلامی تلقی شده است. دوم اینکه، اصل وجوب خمس و زکات توسط خداوند در قرآن کریم بیان شده است، اما مصادیق آن توسط حاکم اسلامی بر حسب شرایط زمانه بر دو پایه نیاز و امکانات تعیین می‌شود. سوم اینکه بر همین مبنا چون مهم‌ترین منابع ثروت در آن زمان همان موارد نه‌گانه بوده است، آنها تعیین شده‌اند و در نتیجه اگر غیر از این موارد هم منبعی مهم وجود داشت، آن هم متعلق زکات قرار می‌گرفت.

با بیان فوق، وجوب خمس و زکات حکمی شرعی و ثابت و تعیین مصادیق آن بر عهده حکام عدل است و به تعبیری حکمی ولایی و قابل تغییر بر حسب تغییر شرایط، زمانه و مکان است.

۱۷. حسینعلی منتظری، کتاب الخمس (قم: انتشارات اسلامی، بی‌تا).

۱۸. کتاب الخمس حاصل تدریس ایشان در سال ۱۳۵۱ بوده است.

۱۹. ایشان معتقد است خمس ارباح در زمان امام باقر و امام صادق مطرح شده است، ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد که از زمان امام صادق، وجوب خمس ارباح بیان شده است.

۲۰. منتظری، کتاب الخمس، ۱۵۱.

## ۲-۲. کتاب زکات

کتاب زکات در چهار جلد منتشر شده است و ایشان در موارد متعددی به بیان این موضوع پرداخته است.

در صفحه ۵۷ به اصل موضوع اشاره می‌کند، اما در صفحات ۶۲ و ۶۳، موضوع را به تفصیل بیشتری بیان کرده است. عبارت ایشان چنین است: «در اینجا سخنی است که از باب طرح موضوع و نه اعتقاد بیان می‌کنم<sup>۲۱</sup> و آن این است که چنانکه از کتاب و سنت استفاده می‌شود، زکات مالیات شرعی است که در همه ادیان الهی از جمله اسلام با هدف رفع نیازهای مسلمانان و متدینان و برآوردن خواسته‌های مادی آنان در همه ابعاد تشریح شده است و از آنجایی که اسلام دینی عام برای همه مکان‌ها و زمان‌ها تا روز قیامت است و منابع و روش‌های رشد ثروت و همینطور نیازها و خواسته‌ها بر حسب مکان و زمان مختلف است، پس مناسب است که تشریح زکات در کتاب و سنت باشد و تعیین موضوعات و موارد آن به حکام شرع و متولیان اداره جوامع اسلامی محول شود»<sup>۲۲</sup>.

در این متن، دو مقدمه بیان شده است؛ اول، هدف مالیات‌های شرعی، رفع نیازهای مادی جامعه مؤمنین است. دلیل بر آن کتاب و سنت بیان شده است و دوم از آنجاکه دین اسلام جاودانه است و شرایط نیازهای جامعه و امکانات جامعه نیز تغییر می‌کند، پس نتیجه گرفته می‌شود اصل وجوب آن حکمی شرعی و تعیین مصادیق، حکمی ولایی است که با تغییر شرایط، تغییر خواهد کرد؛ سپس وی به بیان شواهدی بر ادعای خویش می‌پردازد. از این رو بیان می‌کند که: «شما می‌بینید که قرآن موارد زکات را تعیین نکرده و به نحو اطلاق فقط به پیامبر فرموده که زکات بگیر و چنانکه اخبار زیادی بیان کرده است، رسول خدا پس از نزول آیه، زکات را بر نه مورد تعیین کرد و سایر منابع را معاف از پرداخت زکات کرد. به احتمال قوی، تعیین مصادیق حکم شرعی نبوده، بلکه حکم حکومتی بود که حضرت به عنوان حاکم مسلمانان وضع کرده است و چون اکثر ثروت عرب در آن زمان این نه مورد بوده است و برای اداره شئون جامعه کافی بوده است؛ لذا آن مقدار وضع شد»<sup>۲۳</sup>.

۲۱. ایشان در موارد متعددی تصریح می‌کند که ارائه مطالب به منزله اعتقاد به آنها نبوده، بلکه امری است که به ذهن خطور می‌کند و بیان احتمال آن را مفید می‌داند. احتمالاً ایشان طرح موضوع را به عنوان راهی برای تأملات فقهای بعد فراهم کند.

۲۲. منتظری، کتاب الزکاة، ۱: ۶۲-۶۳.

۲۳. منتظری، کتاب الزکاة، ۱: ۶۳.

بررسی احتمال حکم ولایی بودن زکات از منظر آیت‌الله منتظری / یوسفی شیخ‌رباط ۵۷

ایشان در ادامه به بیان شرایط کنونی جوامع می‌پردازد و می‌فرماید: «اما در زمان ما آیا زکات موارد نه‌گانه کافی است؟ و آیا موارد نه‌گانه، عمده ثروت جامعه و رشد اموالشان است؟ این در حالی است که در اخبار ما آمده است خداوند زکات را بر موارد نه‌گانه به گونه‌ای واجب کرد تا نیازهای فقرا را برطرف کند و از آنجا که اکنون چنین نیست پس باید بر حسب زمان و مکان، مصادیق زکات تغییر کند».<sup>۲۴</sup>

پس ایشان با دو مقدمه به نتیجه می‌رسد. مقدمه اول اینکه هدف از وضع زکات، تأمین نیاز فقرا است و مقدمه دوم اینکه مصادیق تعیین شده توسط پیامبر نمی‌توانند در دوران حاضر این هدف را تأمین کنند. نتیجه اینکه آن مصادیق نمی‌توانند اکنون واجب باشند، بلکه باید تغییر کنند.

به هر روی، خلاصه سخن و بن‌مایه ادعای ایشان، این است که اولاً هدف از مالیات شرعی، تأمین نیازهای جامعه بر حسب امکانات است. دوم به دلیل اینکه اسلام دین جاودانه است و از این رو برای اعصار و جوامع است و شرایط جوامع نیز از نظر منابع و نیازها تغییر می‌کنند، پس لازم است که موارد در طول زمان تغییر کند. بنابراین اصل وجوب زکات به منزله مالیات اسلامی، الهی و ثابت است، اما تعیین مصادیق آن حکم ولایی است و قابل تغییر است. سوم اینکه چون در زمان ما موارد ۹ گانه نمی‌توانند نیازهای جامعه را برطرف کنند، پس مصادیق آن تغییر خواهد کرد.

### ۳. دلایل تأییدکننده مدعیات آیت‌الله منتظری

چنانکه گذشت، اولین محور سخن ایشان این بود که هدف از جعل زکات در ادیان الهی، رفع نیازهای جامعه بوده است. دلایل این ادعا چیست.

#### ۳-۱. رفع فقر، هدف از وجوب زکات

روایات متعددی رفع فقر را هدف جعل وجوب زکات بیان کرده‌اند. در اینجا نمونه‌هایی از آنها بیان می‌شود:

ابوجعفر احوّل در حدیثی صحیح از امام صادق نقل می‌کند: «سؤال کردم چرا نرخ زکات تقدین، ۲۵ هزارم تعیین شده است. امام پاسخ داد خداوند اموال جامعه و تعداد مساکین را نیز

۲۴. منتظری، کتاب الزکاة، ۱: ۶۳.

در نظر گرفت و با توجه به این دو ملاحظه، نرخ ۲۵ هزارم را تعیین کرد. اگر این مقدار کافی نبود، آن نرخ را افزایش می‌داد.<sup>۲۵</sup>

مضمون معتبره حسن بن علی و شام از امام رضا<sup>۲۶</sup> نیز مطابق با صحیحه ابوجعفر احوال است.

این دو روایت بیان می‌کنند که تعیین نرخ ۲/۵ درصدی زکات متناسب با رفع فقر قرار داده شده است و اگر همه کسانی که مشمول وجوب پرداخت زکات می‌شوند به این واجب عمل کنند، فقر برطرف می‌شود.

علاوه بر دو روایت پیشین، صحیحه زراره و محمد بن مسلم، صحیحه عبدالله بن سنان، صحیحه مبارک عرقوفی، صحیحه معتب، مستفیضة ابن مسکان و روایت محمد بن سنان<sup>۲۷</sup> نیز بر کفایت زکات برای رفع فقر دلالت دارند؛ بنابراین با توجه به تعدد روایات معتبر، تعدد ائمه مروی عنه در این روایات و وحدت مضمون آنها می‌توان به این اطمینان رسید که هدف از جعل زکات رفع فقر بوده است.

در حدیثی دیگر، ضمن تأیید مفاد روایات فوق به تبیین بیشتری نسبت به نرخ ۲/۵ درصد پرداخته است؛ از این رو هنگامی که از امام صادق این پرسش شد که چرا دقیقاً نرخ ۲۵ هزارم (۲/۵ درصد) و نه کمتر و نه بیشتر تعیین شد، حضرت پاسخ داد که «خداوند همه را از صغیر و کبیر، غنی و فقیر می‌داند و سپس با توجه به علم خود، می‌دانست که از هر هزار نفر، ۲۵ نفر فقیر هستند، بنابراین این نرخ اموال را برای زکات نقدین تعیین کرد و اگر این مقدار برای رفع فقر کافی نبود آن را بیشتر می‌کرد».<sup>۲۸</sup>

نکات بسیاری برای تحلیل این روایت از منظر اقتصادی وجود دارد. ساختار اقتصادی در صدر اسلام، کشاورزی بوده است. طبیعی است در شرایط خشکسالی، جنگ و امثال آن، وضعیت به گونه‌ای است که از طرفی منابع زکات کاهش می‌یافت و از سوی دیگر بر تعداد فقیران افزوده می‌شد؛ در نتیجه، این روایت نمی‌تواند ناظر به شرایط خاص اقتصادی در جوامع کشاورزی باشد. به نظر می‌رسد منظور روایت، شرایط عادی اقتصاد در جوامع کشاورزی است که بر حسب روایت انتظار می‌رود فقط ۲/۵ درصد

۲۵. الحر العاملی، وسائل الشیعه، مجلد ششم (تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.)، ۹۹، حدیث ۲.

۲۶. العاملی، وسائل الشیعه، ۹۹-۹۸، حدیث ۱.

۲۷. العاملی، وسائل الشیعه، ۶-۳-۴.

۲۸. العاملی، وسائل الشیعه، ۶-۴، حدیث ۳.

بررسی احتمال حکم ولایی بودن زکات از منظر آیت الله منتظری / یوسفی شیخرباط ۵۹

جامعه فقیر باشند.<sup>۲۹</sup> در جوامع کشاورزی، فقر می‌تواند تحت تأثیر کهولت سن و فقدان بیمه تأمین اجتماعی، معلولیت جسمی و ذهنی و فقدان سرپرست به دلیل درگذشت پدر در سنین پایین و مانند آن باشد و به عبارت دیگر، فقر ناشی از ناتوانی از کار بوده است، زیرا در آن جوامع افرادی که توانایی کار داشتند، معمولاً شغلی که حداقل زندگی خود را تأمین کنند، می‌یافتند. از این روست که بیشترین مصادیق فقیران را در آیات قرآن، یتیمان و مساکین ذکر می‌کند.

شیخ مفید در مقنعه، شیخ طوسی در نهاییه، ابن زهره در غنیه، حسن حلبی در اشاره السبق، شهید اول در لمعه و دروس و بیان، معتقدند فقیر نیازمندی است که درآمدش کفاف هزینه‌های متعارف زندگی‌اش را نمی‌دهد؛ اما مسکین کسی است که هیچ درآمدی ندارد، از این رو مسکین وضعیت بدتری نسبت به فقیر دارد.<sup>۳۰</sup> با ملاحظه تعدد استعمال کلمات فقیر و مسکین و یتیم با مشتقات آنها احتمال تأیید نظر فقیهان متقدم افزایش می‌یابد. فقر همراه با مشتقات ۱۴ بار، مسکنت نیز با مشتقات ۲۵ بار و یتیم نیز ۲۴ بار در قرآن آمده‌اند. تقریباً در همه موارد استعمال مسکین و یتیم، نیازمندی به کمک و الزام آن وجود دارد، ولی در مورد فقر چنین نبوده است. در نتیجه بخش مهمی از فقیران را یتیمان و مساکین که همان معلول و افراد کهنسال هستند، تشکیل می‌دادند. به این ترتیب، بر حسب روایت، تناسب میان نرخ و نسبت نیازمندان جامعه منطقی است.

روشن است که با تغییر، تحول و تکامل ساختار اقتصادی جوامع، دامنه فقر بر حسب زمان و مکان متفاوت خواهد بود. به هر حال این روایت، علاوه بر کفایت زکات برای رفع فقر، درصد فقیران به کل جمعیت را در اقتصاد متعادل بیان کرده است؛<sup>۳۱</sup> بنابراین از مجموع این احادیث به دست می‌آید که رفع فقر هدف زکات محسوب شده است و در صورتی که زکات پرداخت شود، فقر نیز مرتفع خواهد شد.

نکته‌ای در اینجا قابل ذکر است و آن اینکه در ادعای آیت الله منتظری، هدف سد خلات و تأمین حوائج مادی جامعه ذکر شده است و این معنایی عام دارد، ولی در روایات بر فقر تأکید شده است. در این صورت، این اخبار خاص خواهند بود و ادعای ایشان عام است. بنابراین

۲۹. روشن است که فقر در هر جامعه را بر حسب شرایط آن جامعه باید سنجید.

۳۰. در باب تفاوت فقیر و مسکین، شش نظر وجود دارد که در اینجا بر نظر فقهای متقدم تکیه شده است. محمدرضا یوسفی، «مقایسه فقر و مسکنت با دو مفهوم فقر مطلق و نسبی»، فصلنامه نامه مفید، شماره ۱۷ (۱۳۷۷): ۲۲۳.

۳۱. البته تناسب ۲/۵ درصد زکات با ۲/۵ جمعیت به دلیل تفاوت منبع ثروت و رشد جمعیت، الزاماً قابل دفاع نیست و نیاز به بررسی و تحلیل مستقلی دارد.

پرسش این خواهد بود که آیا بدین ترتیب ادعای ایشان را می‌توان تأیید کرد. دو پاسخ به پرسش یادشده می‌توان بیان کرد.<sup>۳۲</sup> پاسخ نخست، آیه ۶۰ سوره توبه است که خداوند می‌فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ».<sup>۳۳</sup>

در این آیه، هشت مصرف ذکر شده است. یک مورد حقوق کارگزاران زکات است. گروه نخست، نیازمندان اعم از فقیر و مسکین، بندگان، ناتوانان از پرداخت بدهی و در راه ماندگان هستند. مصرف دیگر، مصلحت اجتماعی است که فی سبیل الله از آن تعبیر شده است. طبرسی در مجمع‌البیان بیان می‌کند که فی سبیل الله به اعتقاد علمای شیعه، همه مصالح مسلمانان مانند ساخت مسجد، پل و مانند آن می‌شود.<sup>۳۴</sup>

در این صورت یکی از مصادیق آن، مؤلفه قلوبهم است؛ بنابراین اهمیت فقر در آن دوران سبب شده است تا مصادیق بیشتری در کنار مصالح عمومی ذکر شود. در نتیجه براساس آیه شریفه، همان سد خلات و تأمین حوائج مادی هدف جعل زکات می‌شود. پاسخ دوم این است که به دلیل اهمیت فوق‌العاده فقر و آثار زیان بار اجتماعی آن در اخبار یادشده، فقر ذکر شده است و این به معنای نفی سایر نیازهای ضروری جامعه نیست.

شاید به همین دلیل باشد که آیت‌الله منتظری در جلد سوم کتاب دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، مستند به مصارف زکات در آیه شریفه و به قرینه ذکر کارگزاران اخذ زکات و مؤلفه قلوبهم، بیان کرده است که: «بنابر آنچه از موارد زکات که در آیه شریفه ذکر شده است به دست می‌آید، زکات مختص فقیران و مساکین نیست، بلکه برای تأمین نیازهایی که در جامعه پدید می‌آید، تشریح شده است».<sup>۳۵</sup>

با این توضیحات، مقدمه نخست که زکات برای تأمین نیازهای جامعه وضع شده است براساس آیه شریفه و روایات قابل پذیرش و تأیید است.

۳۲. ایشان در کتاب زکات پاسخی به این پرسش نداده‌اند و نویسنده سطور، تلاش کرده است برای تبیین و دفاع از این احتمال دو پاسخ ارائه دهد.

۳۳. «صدقات، فقط ویژه نیازمندان و تهیدستان [زمین‌گیر] و کارگزاران [جمع و پخش آن] و آنان که باید [به دلیل تمایل به اسلام] قلوبشان را به دست آورد و برای [آزادی] بردگان و [پرداخت بدهی] بدهکاران و [هزینه کردن] در راه خدا [که شامل هر کار خیر و عام‌المنفعه می‌باشد] و در راه ماندگان است؛ [این احکام] فریضه‌ای از سوی خداست و خدا دانا و حکیم است». (توبه، آیه ۶۰)

۳۴. فضل‌بن‌حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، جلد پنجم (تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی‌تا)، ۴۲.

۳۵. منتظری، دراسات فی فقه ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، ۳: ۳۲.

بررسی احتمال حکم ولایی بودن زکات از منظر آیت الله منتظری / یوسفی شیخرباط ۶۱

### ۲-۳. ثبات دین اسلام و تحول جوامع

دومین مقدمه در سخنان آیت الله منتظری، جاودانگی اسلام و عمومیت آن برای همه جا و همه زمان‌هاست. شرایط اقتصادی، منابع ثروت و چگونگی رشد آنان و همچنین نیازهای جوامع نیز در حال تحول است. شرایط این جوامع حتی بر حسب مکان نیز تغییر می‌کنند. پس تعیین مصادیق باید توسط حکام شرع و حاکمان در جوامع اسلامی باشد.

شاهدی که ایشان بر این نکته ذکر می‌کند اینکه خداوند اصل وجوب اخذ زکات را در آیه ۱۰۳ و مصارف زکات را در آیه شصت سوره توبه بیان کرده است، ولی مصادیق را به رسول الله در مقام حاکم محول کرده است. رسول خدا نیز مواردی با نرخ‌هایی را تعیین کرده است؛ از این رو با توجه به اینکه عمده ثروت عرب، غلات اربعه و اغنام ثلاثه و نقدین بود، این موارد نه‌گانه تعیین شد و با شناختی که رسول خدا از نیازهای جامعه داشت، نرخ‌هایی را تعیین کرد که برای رفع آن نیازها کافی بوده است.

ادعای جعل موارد زکات توسط رسول خدا نیازمند به دلیل است. روایات بسیاری در باب هشتم از ابواب ما تجب فيه الزکاه و ما تستحب فيه، دلالت بر این ادعای آیت الله منتظری می‌کنند. برای نمونه دو روایت بیان می‌شود:

اول: در صحیحۀ فضلاء<sup>۳۶</sup> از امام باقر و امام صادق نقل کرده‌اند که ایشان فرمود: «خداوند زکات در اموال را به همراه نماز واجب کرد و رسول خدا آن را در نه مورد قرار داد و دیگر موارد را عفو کرد».<sup>۳۷</sup>

دوم: روایت بعد، موثقه ابی بکر حضرمی است که امام صادق نقل می‌کند ایشان فرمود: «رسول خدا زکات را در نه مورد گندم، جو، خرما، کشمش، طلا و نقره، شتر، گاو و گوسفند قرار داد و از بقیه موارد عفو کرد».<sup>۳۸</sup>

علاوه بر دو روایت یادشده، صحیحۀ علی بن مهزیار،<sup>۳۹</sup> موثقه زراره،<sup>۴۰</sup> صحیحۀ عبیدالله بن علی الحلبي،<sup>۴۱</sup> صحیحۀ محمد بن جعفر،<sup>۴۲</sup> روایت حسن بن شهاب،<sup>۴۳</sup> روایت

۳۶. منظور از فضلاء، زراره، محمد بن مسلم، ابی بصیر، برید بن معاویه بجلی و فضیل بن یسار است که همان از اصحاب جلیل‌القدر هستند.

۳۷. العاملي، وسائل الشيعه، ۶: ۳۴، حدیث ۴.

۳۸. العاملي، وسائل الشيعه، ۶: ۳۴، حدیث ۵.

۳۹. العاملي، وسائل الشيعه، ۶: ۳۴، حدیث ۶.

۴۰. العاملي، وسائل الشيعه، ۶: ۳۵، حدیث ۸.

۴۱. العاملي، وسائل الشيعه، ۶: ۳۶، حدیث ۱۱.

۴۲. العاملي، وسائل الشيعه، ۶: ۲۶، حدیث ۱۲.

۴۳. العاملي، وسائل الشيعه، ۶: ۳۶، حدیث ۱۰.

جمیل بن دراج،<sup>۴۴</sup> مرسله ابوسعید قَمَاط<sup>۴۵</sup> و دیگر روایات نیز همین مضمون را بیان کرده‌اند. در این روایات اصل وجوب زکات به خداوند نسبت داده شده است، ولی تعیین مصادیق و متعلقات زکات و در اصطلاح مالیاتی، پایه‌های آن را به رسول خدا نسبت داده شده است. به دلیل تعدد روایات، تعدد ائمه مروی عنه و وحدت مضمون روایات ذکر شده، می‌توان به صدور این اخبار و وقوع وضع مصادیق زکات توسط رسول خدا اطمینان یافت.

شیخ مفید در المقنعه نیز بیان می‌کند که «زکات در نه چیز واجب است. رسول خدا وجوب زکات را در این موارد قرار داده است و آنها طلا و نقره، گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو و گوسفند بوده است. رسول خدا از بقیه موارد عفو کرده است»؛<sup>۴۶</sup> بنابراین براساس این دو مقدمه، تعیین مصادیق زکات حکم حکومتی بوده است که براساس شرایط آن زمان بیان شد و در صورتی که شرایط جامعه تغییر کند، می‌توان قائل به تغییر در پایه‌های زکات شد.

### ۳-۳. مصادیق زکات و نیازهای دوران معاصر

پس از بیان اصل کلی مبتنی بر دو مقدمه پیش‌گفته، ایشان تناسب مصادیق زکات با دوران معاصر را رد می‌کند. استدلال وی چنین است که مستفاد از ادله، جعل زکات با هدف رفع فقر و به‌طور کلی تأمین نیازهای جامعه بوده است. دوم اینکه، قطعاً مصادیق سنتی زکات نمی‌تواند در دنیای امروز رفع فقر و تأمین نیازهای جامعه کند، پس با توجه به هدف زکات و حکومتی بودن تعیین مصادیق آن، تبدل موارد نه‌گانه مطابق با نیازهای روز واجب است.

با فرض پذیرش نظر مشهور مبنی بر موارد نه‌گانه زکات، می‌توان به بررسی صحت ادعای ایشان پرداخت. براساس نظر مشهور فقها، منظور از نقدین، مسکوکین است و شامل پول‌های رایج نمی‌شود. در نتیجه، نقدین در دنیای امروز موضوعیت ندارد. برخی مانند محمدجواد مغنیه،<sup>۴۷</sup> اشرفی شاهرودی<sup>۴۸</sup> و محمد قائمی<sup>۴۹</sup> تلاش کرده‌اند تا استدلال کنند که متعلق زکات پول به‌منزله وسیله مبادله بوده است و ویژگی طلا و نقره و به تعبیری مسکوک بودن در آن لحاظ نشده است و از آنجا که پول‌های آن دوران از طلا و نقره بوده است، چنین تصور شده

۴۴. العالمی، وسائل الشیعه، ۶: ۳۷، حدیث ۱۳.

۴۵. العالمی، وسائل الشیعه، ۶: ۳۳، حدیث ۳.

۴۶. شیخ مفید، المقنعه (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۳۰)، ۲۳۴-۲۳۵.

۴۷. محمدجواد مغنیه، فقه الامام جعفر الصادق (بیروت: دارالتبایر الجدید - بیروت؛ ۱۹۸۵).

۴۸. سعید رمزی، الزکاه فی النقود الراجحه، تقریر دروس آیت‌الله مصطفی اشرفی شاهرودی (مشهد: مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۴۳۸ ق).

۴۹. محمد قائمی، زکات پول‌های رایج و اشیای نوپیدا (قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۳۸۵).

بررسی احتمال حکم ولایی بودن زکات از منظر آیت‌الله منتظری / یوسفی شیخ‌رباط ۶۳

است که مسکوک بودن در متعلق حکم، مداخلیت داشته است؛ اما این تلاش بدون ثمر است، زیرا شرط زکات نقدین در هر صورت، صامت بودن است و از آنجا که در دوران جدید، فرض صامت بودن فرضی نادر محسوب می‌شود؛ بنابراین زکات نقدین در این زمانه منتفی است.

زکات بر انعام شامل گاو، گوسفند و شتر منوط به سائمه بودن است. از آنجا که در دوران کنونی، دامداری‌های صنعتی وسعت یافته است و به نسبت در کشور بسیارند، بنابراین شرط سائمه بودن در مورد آنها صدق نمی‌کند، زیرا آنان معلوفه هستند؛ بنابراین درصد بالایی از این انعام، مشمول وجوب زکات نخواهند شد.

غلات نیز محدود به گندم، جو، خرما و کشمش است. هر کدام از این نوع تولیدات نیز در بخش‌هایی از کشور به دست می‌آیند. برای مثال، خرما در مناطق گرمسیری به دست می‌آید. به علاوه اینکه بخش کشاورزی در ساختار اقتصادی در دوران جدید، سهم اندکی از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌دهد. برای نمونه سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت در سال ۱۴۰۲، ۹/۵ درصد، سهم بخش صنعت و معدن ۲۳/۴ درصد و سهم بخش خدمات ۵۳/۷ درصد بوده است.<sup>۵۰</sup> البته سهم بخش کشاورزی در جوامع پیشرفته به مراتب کمتر است. برای مثال، سهم بخش کشاورزی نسبت به تولید ناخالص داخلی در آمریکا حدود یک درصد بوده است. در نتیجه با فرض جاودانگی اسلام و تحول گسترده جوامع بشری، زکات نمی‌تواند تأمین‌کننده نیازهای جامعه و متولی رفع فقر باشد.

با وجود اینکه تصور می‌شود برای تأیید ادعای ایشان، همین آمار کفایت کند، اما از منظر علوم اجتماعی تا زمانی که مطالعات تجربی صورت نگیرد، مطالب فوق صرفاً حدس عالمانه خواهند بود و الزاماً با واقعیت تطابق ندارد. از این رو، رجوع به مطالعات تجربی لازم است. نویسنده این سطور در مقاله‌ای مستقل به تفصیل این مطالعات را ذکر کرده است.<sup>۵۱</sup> خوشبختانه مطالعات تجربی متعددی در ایران و خارج از کشور انجام شده است. این مطالعات پاسخی منفی به کفایت زکات برای رفع فقر داده است و حدس علمی یادشده را رد نمی‌کنند. برای نمونه چند مورد در اینجا بیان می‌شود. زمانی‌فر به بررسی زکات بالقوه در چند استان کشور پرداخت و به این نتیجه رسید که زکات با فرض انحصار در موارد نه گانه برای رفع فقر کفایت نمی‌کند.<sup>۵۲</sup>

۵۰. بانک مرکزی ایران، حسابهای ملی ایران (۱۳۹۰-۱۴۰۲) (تهران: بانک مرکزی ایران، ۱۴۰۴)، ۲۲۱.

۵۱. محمدرضا یوسفی شیخ‌رباط، «بررسی ادله مالیات عرفی بودن زکات»، دوفصلنامه دین و دنیای معاصر، شماره ۱۷ (۱۴۰۱): ۱۳۲-۱۳۳.

۵۲. محمد مهدی عسکری و عبدالمحمد کاشیان، «آزمون بسندگی زکات و خمس»، فصلنامه معرفت اقتصادی، شماره ۳ (۱۳۸۹): ۵-۳۴ و ۸.

کیاء الحسینی به برآورد زکات و فقر غذایی در کشور پرداخت و با طرح سناریوهای مختلف به این نتیجه رسید که حتی در خوشبینانه‌ترین حالت و فرض هزینه تولید صفر، زکات نمی‌تواند فقر غذایی را در کشور برطرف کند.<sup>۵۳، ۵۴</sup> مطالعه گیلک حکیم‌آبادی نیز نشان می‌دهد که اگر همه افراد مشمول زکات در استان گلستان زکات بپردازند، فقر در این استان رفع نخواهد شد.<sup>۵۵</sup> این امر به این دلیل اهمیتی دوچندان دارد که استان گلستان از مناطق مهم کشاورزی ایران است و با وجود این، زکات بالقوه استان در حدی نیست که نیاز فقرای استان را برطرف کند. بنابراین، وقتی وضعیت استانی مانند گلستان چنین باشد، تصور می‌شود سایر استان‌ها نیز وضعیت مشابهی داشته باشند. عسکری در مطالعه‌ای دیگر نیز به همین نتیجه برای کشور رسید.<sup>۵۶</sup> نتیجه اینکه در این مطالعات تجربی، زکات بنابر قول مشهور فقها نمی‌تواند برای رفع فقر کفایت کند.

با توجه به نکات فوق، ادعای آیت‌الله منتظری مبنی بر عدم کفایت زکات برای نیاز فقرا در دوران معاصر تأیید می‌شود و اگر دین برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست و جوامع نیز در حال تغییر هستند، پس لزوماً باید با توجه به منابع ثروت، مصادیق جدیدی برای زکات تعریف کرد تا برای رفع نیاز فقیران کفایت کند.<sup>۵۷</sup>

#### ۴. پیامدها و چالش‌های ولایی بودن حکم زکات

در صورتی که حکم ولایی زکات مورد پذیرش قرار گیرد. بر حسب علمی، باب زکات در فقه مانند باب عتق به باب‌های متروکه تبدیل خواهد شد؛ زیرا هیچ کاربردی برای جهان امروز و خطاب به مکلفان ندارد و با توجه به تحولات زمانه، موارد ۹ گانه باید جای خود را به مصادیق جدیدی بدهند. البته همانطور که مصادیق زکات ولایی بودند، نرخ‌ها نیز ولایی و بر حسب اقتضاء زمانه هستند، از این رو این نرخ‌ها نمی‌توانند برای مصادیق جدید کاربرد داشته باشند. حکام عدل می‌توانند با هدف رفع فقر و تأمین نیازهای جامعه، مصادیق جدید با نرخ‌های جدید وضع کنند. البته با توجه به اینکه واضع موارد نه گانه زکات و نرخ‌ها رسول خدا بوده است، حکومت‌هایی که داعیه پیروی از

۵۳. سید ضیاء‌الدین کیاء الحسینی، «نقش زکات در امحای فقر غذایی» (قم: طرح پژوهشی دانشگاه مفید، ۱۳۸۴)، ۱۰۸-۱۰۷.

۵۴. محمدرضا یوسفی، «بررسی ادله مالیات عرفی بودن زکات»، دوفصلنامه دین و دنیای معاصر، شماره ۱۷ (۱۴۰۱): ۱۳۳.

۵۵. محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی، «بررسی توان زکات گندم و جو در کاهش فقر: مطالعه موردی استان گلستان»، فصلنامه نامه مفید، شماره ۵۴ (۱۳۸۵): ۱۰۱.

۵۶. محمدمهدی عسکری و احمد محمدی‌پور، «مفهوم فقر اقتصادی و تبیین راهکار زکات در رفع آن»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۷۵ (۱۳۹۵): ۵۱.

۵۷. نویسنده در مقاله، «بررسی ادله مالیات عرفی بودن زکات» دلایل بیشتری بر حکومتی بودن زکات بیان کرده است. ناگفته نماند آیت‌الله منتظری، هرچند بار در کتب خود حکم ولایی زکات را طرح کرده است، اما هر بار تأکید می‌کند این مطالب را از روی اعتقاد بیان نکرده است، بلکه صرفاً در مقام طرح موضوع و بیان احتمال آن است.

بررسی احتمال حکم ولایی بودن زکات از منظر آیت‌الله منتظری / یوسفی شیخ‌رباط ۶۵

رسول خدا را دارند، باید ویژگی‌های این نوع مالیات را بررسی کنند و با الهام از آنها مصادیق جدید تعیین شود و این می‌تواند خود موضوع بررسی تحقیق جدیدی باشد.

نکته مهم این است که بر این اساس، زکات صرفاً، مالیات است که زمانی مصادیق معین با نرخ‌های معین داشته است و اکنون مالیاتی جدید برای تأمین نیازهای جامعه و رفع فقر با نرخ‌های جدید براساس منابع ثروت در جامعه باید تعیین شود. این در حالی است که اعتقاد به حکم شرعی زکات سبب می‌شود که زکات واجبی شرعی با مصادیق معین و نرخ‌های معین برای همه زمان‌ها و مکان‌ها باشد. هرچند نتواند اهداف بیان‌شده را تأمین کند. در این صورت، اهداف بیان‌شده را حمل بر حکمت وضع زکات و نه علت آن باید دانست؛ اما ولایی بودن حکم زکات با چالش‌هایی روبه‌روست:

اولین چالش از بیان آیت‌الله منتظری استفاده می‌شود. ایشان پس از ارائه احتمال خویش چنین بیان می‌کند: «مگر اینکه گفته شود ائمه ما این نقص در زکات را با جعل خمس ارباح مکاسب جبران کرده است. خمس ارباح در واقع زکاتی است که از سوی آنان جعل شده است. از این‌روست که از خمس ارباح در عصر پیامبر و امامان نخستین هیچ اسم و اثری نیست و در اخبار تصنیف مصرف خمس نیز اسمی از خمس ارباح نیست؛ بلکه بر حسب اخبار، تمامی خمس ارباح متعلق به عنوان امامان و نه شخص آنان است. در حقیقت این خمس برای اداره شئون جامعه و رفع نیازهای آنان وضع شده است».<sup>۵۸</sup>

وی احتمال می‌دهد که به دلیل تحولات زمانه، دیگر با اخذ زکات هدف رفع فقر تحقق نمی‌یافت. بنابراین ائمه متأخر از باب ولایت به جعل حکم ولایی دیگری دست زدند و خمس ارباح را برای اداره جامعه مؤمنان جعل کردند.

در این سخن سه ادعا وجود دارد؛ ادعای نخست اینکه، مصادیق زکات در زمان ائمه متأخر، نمی‌توانستند پاسخگوی نیازهای جامعه و رفع فقر باشد. ادعای دوم اینکه خمس ارباح از زمان ائمه متأخر، جایگزین مصادیق زکات شده است. این سخن به این معناست که خمس ارباح، مصداقی جدید از زکات محسوب شده است و از سوی دیگر، مصادیق قبلی دیگر وجوبی ندارند. سومین ادعا اینکه خمس ارباح نیز حکمی ولایی است.

در مورد دو ادعای نخست مبنی بر عدم کفاف زکات برای رفع فقر و جایگزینی خمس ارباح به جای زکات پذیرفتنی نیست، زیرا زکات از ابتدا توسط حکومت اخذ می‌شد و هرگز زکات به

۵۸. منتظری، کتاب الزکاه، ۱: ۶۲-۶۳.

امامان داده نمی‌شد؛ حتی بنا بر نقلی، امیرالمؤمنین فرمود: «ان صدقه مالی لتبلغ اربعین الف دینار».<sup>۵۹</sup> بعید نیست که امامان نیز زکات خود را به حکومت پرداخت می‌کردند، زیرا آنان مالک زمین‌های زراعی بودند که به‌طور طبیعی زکات به آنها تعلق می‌گرفت؛ بنابراین از همان ابتدا زکات در اختیار حکومت بود و اگر بنا به جایگزینی باشد، باید از همان ابتدای دوران خلفا خمس ارباح به‌عنوان جایگزین مطرح می‌شد. به علاوه اینکه ادعای جایگزینی مستلزم این است که پس از وجوب خمس ارباح، باید وجوب زکات نسخ شود، ولی تاکنون کسی چنین ادعایی نداشته است و در این صورت، بحث ولایی بودن زکات در زمان حاضر به‌طور کلی منتفی می‌شود، مگر اینکه ادعا شود مراد از جایگزینی، تکمیل آن و نه جایگزینی باشد.

چالش دیگر، اعتقاد مشهور فقها به انحصار زکات در مورد نه‌گانه است تا آنجا که صاحب جواهر مدعی است که در میان مسلمانان هیچ اختلافی در وجوب زکات در موارد نه‌گانه نیافته است.<sup>۶۰</sup> روایات بسیاری نیز دلالت بر حصر می‌کند.

چالش دیگر، لزوم قصد قربت در پرداخت زکات است و این امر با مالیات عرفی بودن زکات، سازگاری ندارد. محقق در معتبر نیز ادعای اجماع مسلمانان به‌جز اوزاعی نموده است. صاحب مدارک نیز ادعای اجماع کرده است.<sup>۶۱</sup>

به هر روی، تبدیل احتمال حکم ولایی بودن زکات به اعتقاد به آن، نیازمند حل چالش‌های فقهی زیادی است.

## ۵. جمع‌بندی نهایی

آیت‌الله منتظری نخستین فقیهی است که احتمال وجوب حکم ولایی بودن زکات را داده است. به نظر وی به دلیل اینکه ماهیت زکات، ماهیت مالیات را داشته و از او سویی، دین اسلام دین جاودانه‌ای است و جوامع در حال تحول‌اند، پس اقتضای آن، ولایی بودن حکم زکات خواهد بود. در این نوشتار، بیان شد که هرچند ایشان تأکید بر بیان احتمال آن و نه اعتقاد است، شواهد بسیاری از این احتمال حمایت کردند و می‌توان دست‌کم این احتمال را در جایگاه نظری قابل بررسی دانست، هرچند ادعای این نظر توسط فقیه موکول به حل چالش‌های یادشده است.

۵۹. «زکات مال به جهل هزار دینار می‌رسد». علی‌بن‌ابی‌بکر الهیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، مجلد نهم (بیروت: منشورات دارالکتاب، بی‌تا)، ۱۲۳.

۶۰. نجفی، جواهر الکلام، ۱۵: ۶۵.

۶۱. سید تقی طباطبایی قمی، مبانی منهاج الصالحین، جلد ششم (قم: منشورات مکتبه المفید، ۱۴۰۹ ق)، ۵۱۳.

بررسی احتمال حکم ولایی بودن زکات از منظر آیت‌الله منتظری / یوسفی شیخ‌رباط ۶۷

## سیاهه منابع

### الف-منابع فارسی:

- اجتهادی، ابوالقاسم. بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین. تهران: سروش، ۱۳۶۳.
- بانک مرکزی ایران. حسابهای ملی ایران (۱۳۹۰-۱۴۰۲). تهران: بانک مرکزی ایران، ۱۴۰۴.
- دلبری، سید علی. آسیب‌شناسی فهم حدیث. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۶.
- طباطبایی، محمدحسین، مرتضی مطهری، محمدحسین بهشتی، مرتضی جزایری، مهدی بازرگان، و ابوالفضل زنجانی. بحثی درباره مرجعیت و روحانیت. تهران: نشر انتشار، ۱۳۴۱.
- عسکری، محمد مهدی، و عبدالمحمد کاشیان. «آزمون بسندگی زکات و خمس»، فصلنامه معرفت اقتصادی، شماره ۳ (۱۳۸۹): ۵-۳۴.
- عسکری، محمد مهدی، و احمد محمدی‌پور. «مفهوم فقر اقتصادی و تبیین راهکار زکات در رفع آن»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۷۵ (۱۳۹۵): ۵۱-۷۸.
- قائمی، محمد. زکات پول‌های رایج و اشیای نوپیدا. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۳۸۵.
- کیاء الحسینی، سید ضیاء‌الدین. «نقش زکات در امحای فقر غذایی»، قم: طرح پژوهشی دانشگاه مفید، ۱۳۸۴.
- کیاء الحسینی، سید ضیاء‌الدین. «تحول زکات در قرآن از واجبی فردی به واجبی حکومتی براساس ترتیب نزول سور قرآن کریم»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۰۹ (۲۱۴۰): ۱۴۷-۱۶۹.
- گیلک حکیم‌آبادی، محمد تقی. «بررسی توان زکات‌گندم و جو در کاهش فقر: مطالعه موردی استان گلستان»، فصلنامه نامه مفید، شماره ۵۴ (۱۳۸۵): ۱۰۱-۱۲۲.
- یوسفی، محمدرضا. «مقایسه فقر و مسکنت با دو مفهوم فقر مطلق و نسبی»، فصلنامه نامه مفید، شماره ۱۷ (۱۳۷۷): ۲۱۳-۲۲۸.
- یوسفی، محمدرضا. «بررسی ادله مالیات عرفی بودن زکات»، دوفصلنامه دین و دنیای معاصر، شماره ۱۷ (۱۴۰۱): ۱۴۵-۱۱۲.

### ب-منابع عربی:

- ابوعبید، قاسم بن سلام. الاموال. بیروت: دارالحدیث، ۱۹۸۸.
- انصاری، مرتضی. المکاسب. جلد سوم. قم: مجمع‌الفکر الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.
- بروجردی، حسین. نهاییه التقرير. جلد اول. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۴۲۰ ق.
- البخاری، محمد. صحیح البخاری. جلد اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
- رمزی، سعید. الزکاه فی النقود الرائج. تقریر دروس آیت‌الله مصطفی اشرفی شاهرودی. مشهد: مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۴۳۸ ق.

٦٨ دين و دنياى معاصر / سال ١٢ / شماره ١ / پيايى ٢٢ / صص ٥١-٦٨

- خويى، سيد ابوالقاسم. منهاج الصالحين. جلد اول. قم: مطبعة مهر، ١٤١٠ ق.
- صدوق، محمد بن على. الخصال. قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٣٦٢.
- العاملى، محمد بن الحسن. وسائل الشيعة. جلد ششم. تهران: المكتبة الاسلاميه، ١٤٠٣ ق.
- العاملى، محمد بن مكى. القواعد و الفوائد. جلد اول. قم: نشر مكتب مفيد، [بى تا].
- طباطبايى قمى، سيد تقى. مباني منهاج الصالحين. جلد ششم. قم: منشورات مكتبه المفيد، ١٤٠٩ ق.
- طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن. جلد پنجم. تهران: مكتبه العلميه الاسلاميه، [بى تا].
- طوسى، محمد. الامالى. قم: دارالثقافه، ١٤١٤ ق.
- كلينى، محمد بن يعقوب. الكافى. جلد دوم. تهران: دارالكتب الإسلاميه، ١٣٦٥.
- مفيد، محمد. المقتعه. قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤٣٠.
- مغنيه، محمد جواد. فقه الامام جعفر الصادق. بيروت: دارالتيار الجديد، ١٩٨٥.
- منتظرى، حسين على. كتاب الخمس و الانفال. قم: مؤسسه النشر الاسلامى، [بى تا].
- منتظرى، حسين على. كتاب الزكاه. جلد اول. قم: مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤٠٤ ق.
- منتظرى، حسين على. كتاب الزكاه. جلد دوم. قم: مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤٠٦ ق.
- منتظرى، حسين على. كتاب الزكاه. جلد سوم. قم: نشر تفكر، ١٤١٣ ق.
- منتظرى، حسين على. كتاب الزكاه. جلد چهارم. قم: نشر تفكر، ١٤٢٨ ق.
- منتظرى، حسين على. دراسات فى فقه الولايه الفقيه و فقه الوله الاسلاميه. جلد اول. قم: نشر تفكر، ١٤١٥ ق.
- منتظرى، حسين على. دراسات فى فقه الولايه الفقيه و فقه الوله الاسلاميه. جلد سوم. قم: نشر تفكر، ١٤١٥ ق.
- نجفى، محمد حسن. جواهر الكلام. جلد پانزدهم. تهران: دارالكتب الإسلاميه، ١٣٦٧.
- نیشابورى، مسلم بن حجاج. صحيح مسلم. جلد اول. بيروت: دار احياء التراث العربى، [بى تا].
- الهيثمى، على بن ابي بكر. مجمع الزوائد و منبع الفوائد. جلد نهم. بيروت: منشورات دارالكتاب، [بى تا].
- يزدى، سيد محمد كاظم. العروه الوثقى. قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤٢٨ ق.